

اقتصاد و وابستگی

بابک بلوچ

در کشوری که مشتی دزد و قاتل و راهزن و عمله امپریالیسم بر جان و مال مردم حکم میرانند تمامی معیارها و ارزشهای شناخته شده فرهنگی چنان تغییر مضمون میدهند که به ضد خود تبدیل میگردد. تغییرات مضمونی در روایت میان انسانها با یکدیگر و انسانها با طبیعت و جامعه به مثابه عاملان آگاه و شناسندگان جهان پیرامونی، در حله آخر چیزی جز اشکال پیچیده و تودرتوی انعکاس تغییرات در بنیانهای مادی هستی طبیعی و اجتماعی انسانها نیستند. تبدیل ارزشها و نیازها نیز، علیرغم تلاش حیلہ گران تا آنها را برخاسته از منسایهای غیر طبیعی جلوه دهند، دقیقاً در همین مضامین برآمده از فرایندهای دگرگونیهای بنیادین مادیت که ریشه میدوانند.

رژیم ضد انسان و قتل مداری همچون رژیم جمهوری اسلامی سالهای متمادیست با فرآستین دستگاه ایدئولوژیک مخوف خویش و تبلیغ کردن فرهنگ خرافه و تزویر و سکوت، تلاش میکند تا با جدا کردن هستی مادی انسانها از هستی فرهنگیشان چنین بنمایاند که میتوان با توسل به معنویات (تو بخوان فرهنگ جهل و خفقان و سرکوب) بر سیه روزیهای مادی چیره گشته و روئین تن درمقابل تضادهای غیر قابل تصور طبقاتی به تحمل پرداخته و سرفرازانه به بهشت رهنمون شوند. این ترفندهای تبلیغاتی عملاً در مسیر برآوردن نیازهای طبقاتی رژیم بوده و دقیقاً در جهت نیازهای قدرت حاکمه، که نقطه مقابل نیازهای مادی و ضروری خلق های تحت ستم ایران می باشند، عمل می کنند.

رژیم جلااد جمهوری اسلامی که هرچه باشد تا بر سعی در برآوردن نیازها و اجرای دستورات سازمان تجارت جهانی و نیز بانک جهانی میکند و تا کوچکترین و بی ارزشترین سلول هایش به امپریالیسم جهانی وابسته میباشد پس از آنکه همه شاهرگهای اقتصادی مملکت را به دست تجار، مالکین اراضی، سپاه پاسداران سرمایه، خانواده ها و افراد بانفوذ جامعه سپرد، چنان فقری را بر توده های میلیونی کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه تحمیل کرده که عمق آن را به راحتی نمیتوان توصیف نمود. وقتیکه بر اساس گزارش رسمی رئیس شورای اصناف 40 هزار تن سیب و پرتقال را به منظور به اصطلاح توزیع نمودن میان واحدهای صنفی خریداری و ذخیره مینمایند و قیمت هر کیلو را 650 تا 750 تومان تعیین میکنند میتوان تصور نمود که زحمتکشان در کشوری که بر اساس گزارشها پانزده میلیون از مردم آن (نزدیک به یک پنجم جمعیت) زیر خط فقر زندگی میکنند، چند بار در سال میوه میخورند. و یا حتی از این هم بدتر، هنگامی که گوشت را قرار است کیلویی 4200 تومان و مرغ منجمد را کیلویی 1750 تومان برای توزیع میان فقط 300 واحد صنفی در نظر بگیرند، ژرفای فقر و سیه روزی مردم و کیفیت زیست آنان بیشتر مشخص می شود. ناگفته نماند که اینها همه فقط بخشی از تعابیری است که برای مبارزه با بازار آزاد در نظر گرفته شده است، همان بازاری که بدست سرمایه داران حکومت نشین و یا نورچشمی های آنها اداره می گردد.

از زمانی که خامنه ای، سید جلاادان جمهوری قتل و غارت اسلامی، در 11 تیرماه 1385 سیاستهای راهبردی ملوکانه اش را با هدف واگذار نمودن 80% سهام بنگاهها و کارخانه های بزرگ دولتی در اختیار رئیسان سر تا پا حیلہ و جنایت مجمع بی صلاحیتان گذارد مدت زمانی می گذرد و طی این مدت با تشدید شدن ضریب بیکاریها، اخراجها، اعتصابها و دستگیریهای کارگران و زحمتکشان روبرو هستیم. ولی آنچه که در این میان شگفتی برانگیز است نه تنها فاجعه فقر، فحشا و جنایت (اینها دیگر به امور طبیعی زندگی ایرانیان تبدیل شده اند) بلکه ارغام سرسام آور اقتصادیت که در عین حال سیر حرکت نزولی یک رژیم وابسته به امپریالیسم جهان خوار را به گونه ای آشکار به نمایش می گذارد. در دولتی که تمامی ارگانهای

اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی به اختیار سرمایه داران کلان، تجار، قشر اداری متخصص در همه انواع چپاول، خبرنگاران طبقات مسلح و پر قدرت و سرمایه های خارجی سپرده میشود به خوبی می توان فهمید وقتی محمود حیدری مدیرکل تعاون استان تهران اعلام می کند که 120 میلیارد تومان از محل بنگاههای زودبازده!! با عنوان تسهیلات دولتی در اختیار شرکت های تعاونی قرار می گیرد و 45 میلیارد تسهیلات نیز از سوی صندوق تعاون کشور به منظور کمک به تعاونی های فرهنگی- آموزشی تخصیص داده می شود آیا این جا به جایی میلیاردها جز بدین معنی ست که مردم محروم جامعه دقیقاً به دلیل دسترسی نداشتن به این تسهیلات است که حتی از فرهنگ که هیچ بلکه از نان هم محروم مانده اند؟ مسلماً کسانی که با چگونه گی کارکردهای اقتصاد ملی در یک کشور عقب افتاده از نظر صنعتی مثل ایران آشنائی دارند بخوبی می دانند که یکی از راههای به طور کامل به استقلال دست یافتن، سرمایه گذاری و صرف نیروی کار فنی و حرفه ای و ایجاد فضای مناسب برای پژوهش و تحقیق در حیطه هایی ست که می توانند به امر تولید صنعتی و تکنولوژیک مدد رسانده و زمینه های لازم را برای استقلال اقتصادی فراهم سازند، ولی ما نه تنها شاهد هیچگونه تلاشی در این جهت از سوی رژیم ملایان و غاصبان آدم کش نیستیم بلکه تمام سرمایه ها و تلاشها دقیقاً فقط در زمینه هائی صرف میگردد که هیچگونه مناسبیتی با ترقی و پیشرفت نداشته که هیچ، حتی هر چه بیشتر به تخریب تمامی زمینه های لازم برای امکان بخشیدن به استقلال پرداخته می شود. از این روست که می بینیم دفتر صادرات بین المللی اعلام میکند که ایران میان سالهای 2004-2008 پس از آمریکا در رده ی دوم کشورهای وارد کننده اسباب بازی در جهان قرار دارد. البته هیچکس گمان نخواهد کرد در کشوری که کودکان طبقات محروم مش کار میکنند تا نان خانواده تامین کنند این اسباب بازی ها را به چشم خواهند دید! وقتیکه تجارت، آنهم تجارت بی برنامه و بی هدف (البته اگر از سودمندی آن برای پر کردن جیب قاتلها بگذریم) بر اقتصاد این رژیم سیطره داشته باشد و حجم واردات آن بر طبق آمار رسمی واحدهای اقتصادی رژیم جنایتکاران چهار برابر صادرات آن را تشکیل دهد معلوم میشود که با اقتصاد و سیاستی این چنین وابسته، سیاستهای این مبادلات اقتصادی و بالنتیجه سیاسی از طرف کدام قدرتهای بین المللی دیکته می شوند. رجزخوانیهای رژیم آدم کشان در مقابل امپریالیسم جهانی نمی تواند پرده بر روابط تنگاتنگ و وابستگی آن به قدرتهای جهانی بکشند. اکنون دیگر بر همگان واضح است که زندگی مردم عراق در دست امپریالیسم آمریکا و هم پیمانان او در منطقه میباشد. اقتصاد و سیاست این کشور اشغال شده در دست شرکتهای انحصاری بین المللی، بانک تجارت جهانی، شرکتهای نفتی بزرگ و ارتشهای تجاوزگر امپریالیستی قرار دارد. با این همه در میان مشتریان صادرات ایران در سال گذشته، عراق با 1 میلیارد و 400 میلیون دلار، یعنی 10/4% از صادرات ایران، در رده دوم کشورهایست که از ایران خریداری کرده اند. اعمال سیاستهای استعماری در عراق هیچ راهی برای روابط اقتصادی مستقل باقی نگذاشته و هر گونه رابطه اقتصادی با کشور های تحت سلطه امپریالیسم دقیقاً به معنای وارد شدن در روابطی ست که در جهت سیاستهای جهان خوارانه امپریالیسم در منطقه و در سایر نقاط جهان عمل می کنند. در اینجا نیز همچون سایر زمینه ها، سرمایه داران راهی به جز بازتولید دوباره و دوباره این روابط تحت سلطه چه در عرصه ملی و چه در عرصه بین المللی ندارند و عین روابطی را که امپریالیسم در عرصه بین المللی بر آنها اعمال میکند به طور کامل و حتی بدتر بر زندگی خلق های تحت ستم ایران انعکاس می دهند.